نسیم جنوب
www nasimjonoub COM
سال بیست و هفتم – شماره ۱۱۱۳
شنبه ۶ بهمن ۱۴۰۳ – ۸ صفحه

استاندار بوشهر:

راه‌آهن بوشهر – شیراز با جدیت مورد پیگیری قرار خواهد گرفت



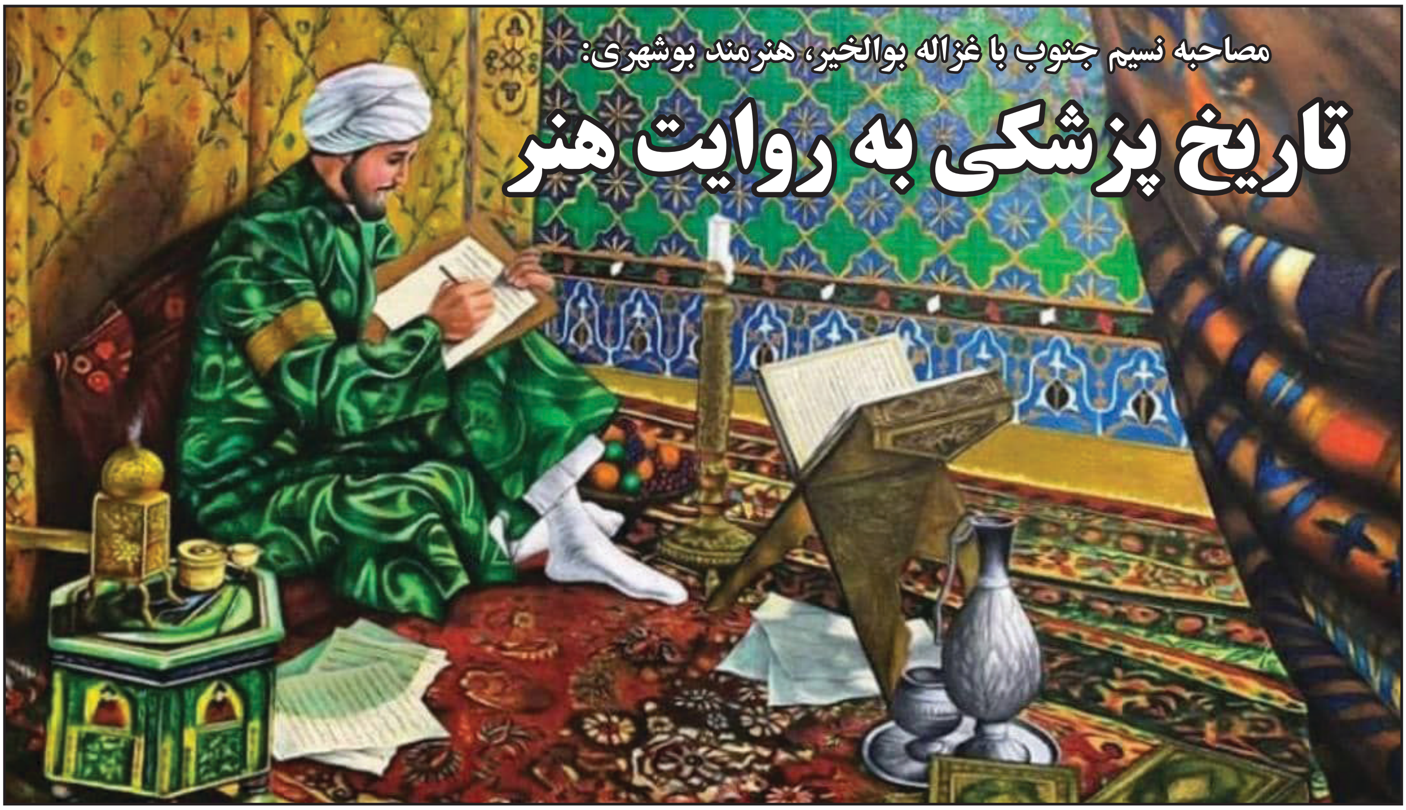
شگفتی در والیبال بانوان ایران:

صعود تیم والیبال بانوان شاهین بندرعامری به لیگ برتر کشور

برای اولین بار یک تیم والیبال از یک روستا در لیگ برتر بانوان کشور حضور دارد

مصاحبه نسیم جنوب با غزاله بوالخیر، هنرمند بوشهری:

تاریخ پزشکی به روایت هنر



خداحافظی مسلم مسیگر؛ اسطوره تیم ملی فوتبال ساحلی ایران، از زمین بازی

جادوی فوتبال خاک هم آغوش دریا را بیدار کرد!

علیرضا محمدی



جادوی پر دامنه‌ای !
دوباره خاک هم‌آغوش دریا را بیدار کرد .
غریب حکایتی‌ست فوتبال
سِحر
این‌بار از کالبد مسلم مسیگر ترآوید
بر قلب و جان همه‌ی آن‌ها که آمدند و شاید حتی نیامدند، اما علقه‌ی با فوتبال یا بوشهر داشتند.
اما تا آن‌جا که می‌شد شانه‌به‌شانه و نفس‌به‌نفس؛ پیر و جوان؛ غریب و آشنا؛ در کنار هم نشست؛ آمدند.
آمدند تا کاپیتان سرفراز شهرشان را در روایتی نو بدرقه کنند. از آن گونه وداع، که با خوشی و ناخوشی آمیخته است.
خوشی از این تاج درخشان یکصد و نود گل در دویست بازی ملی و افتخار بر افتخار حضور در عرصه جهانی و ناخوشی از آن‌که خرامیدن او در ماسه‌های جهان به نام او و به کام ایران و به کام بوشهر شاید کمی کم‌رنگ شود. اما چشم‌گیر بود سه بازی خوش‌احوال و شورانگیز با بلاروس برای خداحافظی این زر جنوب که آن‌چه شاید در بضاعت بود را پیشکش کردند همه حتی مسئولین و کارداران شهر و استان بوشهر.
راست است که در جنوب آدم‌ها سودایی‌ترند به آسمان و زمین و دریا نزدیک‌ترند و شور را از نمک گرفته‌اند و خواسته‌های قانعانه و کم و گم دارند و گواه همه‌ی این حرف ریخته در فرهنگ جنوب؛ اما انصاف است دست‌کم با این شاه‌ماهی‌هایی که در فوتبال کشور روانه‌اند از بوشهر، کام‌شان از شهد فوتبال لبریز باشد با کمک مسئولین و کاردان‌ها و کاردارهای این استان.



شگفتی در والیبال بانوان ایران:

صعود تیم والیبال بانوان شاهین بندرعامری به لیگ برتر کشور

برای اولین بار یک تیم والیبال از یک روستا در لیگ برتر بانوان کشور حضور دارد



تیم والیبال شاهین بندر عامری که رقابتهای خود از آبان ماه آغاز کرده بود پس از پشت سرگذاشتن دو مرحله به رقابت‌های پایانی راه یافت و در این مرحله پس از برتری در برابر تیم‌های شهابی لامرد و شهید خوش سیمای بابل و شکست در برابرتیم شهر آرکا البرز به عنوان تیم دوم گروه راهی مرحله نیمه نهایی شد.
در دور نیمه نهایی رقابت‌ها تیم والیبال بانوان شاهین بندرعامری موفق شد با نتیجه ۳ بر یک در برابر پدیده گلپایگان به پیروزی برسد تا به همراه تیم شهرآرکا البرز جواز حضور در لیگ برتر بانوان کشور در سال آینده را به دست آورد. باشگاه شاهین بندرعامری به مالکیت مجتبی ناصری (بخش خصوصی) هم اکنون در فوتبال آقایان رده های بزرگسالان و جوانان و همچنین والیبال بانوان در رقابت‌های کشوری فعالیت دارد.

ندا جهانگیری کاپیتان تیم والیبال شاهین بندر عامری:

صعود به لیگ برتر؛ تقدیم به مردم ورزش‌دوست بندر عامری

– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.
– نداجهانگیری کاپیتان تیم والیبال شاهین بندر عامری.
– تمرینات تیم در کجا انجام می گرفت؟
– تمرینات در بوشهربرگزار می‌شد.
– روحیه بازیکنان چگونه بود؟
– روحیه بازیکنان عالی بود و همه مصمم بودند که با همه قدرت وتوان برای صعود به لیگ برتر، بجنگند.
– اعضای تیم چه کسانی هستند؟
– نداجهانگیری کاپیتان، آیدا ولی نژاد، هانیه حسینی، نادیانعیمی، سوین قربانپور، دنیا اقابیگی، بهارطغیانی، رزیتا خراسانی، سهیلا امان الهی، یگانه اسماعیلی پور، زینب خدابخشی، مهسا ماهینی، نرجس جعفری، نفیسه جنتی، ندا موسوی، زهرانورمحمدی، آرزو گودرزی و نگین سوختانلو.
– این بازیکنان از کجاها به تیم پیوستند؟
– بوشهر، مشهد، گلستان، تهران، اصفهان و شیراز.
– حمایت از تیم چگونه بود؟
– حمایت خیلی خیلی عالی و حرفه‌ای بود و همه راضی هستند.
–تیم چه برنامه‌هایی برای حضور موفق در لیگ برتر باید داشته باشد؟
– داشتن کادر حرفه‌ای و بازیکنان تأثیرگذار، شروع تمرینات توپی و بدنسازی منظم.



–چه احساسی دارید از این‌که بعنوان اولین تیم والیبال روستایی‌بانوان تاریخ‌ساز شدید‌و‌به‌لیگ‌برترصعود کردید؟
–قابل توصیف نیست این نائب قهرمانی و صعود به لیگ برترو تقدیم می‌کنیم به تمام مردم خونگرم و ورزش دوست شاهین عامری که با حمایت دلگرم‌کننده آن‌هاتوانستیم به لیگ برتر صعود کنیم.
جا دارد که تشکر ویژه از جناب آقای مجتبی ناصری مدیرعامل باشگاه شاهین بندرعامری داشته باشم که برای اولین سال به نحو احسن و حرفه‌ای تیم داری کردند و انشاالله تیم شاهین بندری عامری پابرجاباشد وسال دیگر در لیگ برتر حضور پررنگ داشته باشد.

اهمیت حضور والدین در مدرسه

صدیقه مقاتلی – مدیر دبیرستان دخترانه غیر دولتی عترت بندر دیّر



در طول سال تحصیلی یکی از دغدغه‌های مهم مدیر و کادر آموزشی اکثر مدارس، بحث حضور والدین در مدرسه و مشارکت آن‌ها در جلسات و برنامه‌های آموزشی است که برای پیشرفت دانش آموزان،بسیار مهم است. که اصلی‌ترین هدف از برگزاری جلسات با والدین، تقویت ارتباط میان مدرسه و خانواده است که می تواند پایه‌گذار همکاری‌های موثر در فرآیند آموزشی باشد. وقتی که والدین و معلمان در مورد پیشرفت تحصیلی دانش آموزان به بحث و تبادل نظر می‌پردازند،

در مدارس معمولاً به والدین مشاوره‌های مفیدی در مورد نحوه حمایت از تحصیل فرزندان‌شان ارائه می‌دهند. این مشاوره‌ها می‌تواند شامل راهکارهایی برای ایجاد محیط مناسب در خانه، نحوه مدیریت زمان و مطالعه، و چگونگی مقابله با چالش‌های تحصیلی باشد و حتی می‌تواند به پیشگیری از مشکلات تحصیلی و رفتاری در دانش آموزان کمک کند. برای مثال، اگر یک دانش‌آموز در کلاس رفتارهای نادرستی دارد یا در دروس خاصی ضعیف است، راه‌حل‌های پیشگیرانه برای این مشکلات ارائه داده می شود که موجب می گردد مشکل به سرعت شناسایی شود و می‌توان اقدامات اصلاحی را قبل از آن که به یک



امکان شناسایی مشکلات و چالش‌های موجود فراهم می‌شود و می‌توان راه‌حل‌های مناسب را به صورت مشترک یافت.

همچنین باعث می‌شود که والدین از تغییرات و پیشرفت‌های آموزشی فرزندان‌شان مطلع شوند و با استفاده از این اطلاعات، در خانه شرایط مناسبی برای ادامه تحصیل فرزندان خود فراهم کنند.

زمانی که دانش‌آموز می‌بیند که والدینش در جلسات مدرسه شرکت دارند و به پیشرفت تحصیلی او اهمیت می‌دهند، احساس مسئولیت بیشتری پیدا می کند. این انگیزه می‌تواند باعث افزایش تمرکز و تلاش بیشتر در دروس شود.

در بسیاری از موارد، مشکلات تحصیلی یا اجتماعی دانش‌آموزان ممکن است به دلیل مشکلات خانوادگی، روانی یا اجتماعی باشد. حضور والدین در جلسات مدرسه، فرصتی برای شناسایی این مشکلات به صورت دقیق و به موقع است. یکی از بزرگترین مزایای حضور والدین در مدرسه این است که دانش‌آموز احساس حمایت اجتماعی و عاطفی بیشتری می‌کند. وقتی که والدین در جلسات مدرسه شرکت می‌کنند، دانش‌آموزان می‌فهمند که خانواده‌های‌شان به پیشرفت و رفاه آن‌ها اهمیت می‌دهند و باعث افزایش اعتماد به نفس و خودباوری در دانش‌آموزان می شود، که در نهایت بر روی عملکرد تحصیلی آن‌ها نیز تاثیر می گذارد.

بحران تبدیل شود، انجام داد.

ارتباط با مدرسه باعث می‌شود که آن‌ها احساس مسئولیت بیشتری نسبت به تحصیل فرزندان خود داشته باشند و با دقت بیشتری بر فعالیت‌های تحصیلی فرزندان‌شان نظارت کنند و از هر فرصتی برای بهبود شرایط آموزشی آن‌ها استفاده کنند. این حس مسئولیت‌پذیری در والدین نه تنها به نفع دانش‌آموزان است بلکه به طور کلی می‌تواند کیفیت آموزش در جامعه را بهبود بخشد.

همچنین این ارتباط‌ها باعث ایجاد فرهنگ مشارکت و همکاری در میان دانش‌آموزان، والدین و معلمان می‌شود و موجب می‌شود که جو مدرسه مثبت‌تر و حمایت‌گرتر باشد. زمانی که والدین در فرآیندهای آموزشی مشارکت دارند، مدرسه به جای یک محیط محدود و تک‌بعدی، به یک نهاد اجتماعی تبدیل می‌شود که در آن همه اعضا برای دستیابی به هدف‌های مشترک همکاری می کنند.

در نهایت، حضور والدین در مدرسه و مشارکت آن‌ها در جلسات مربوط به پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، یکی از عوامل کلیدی برای موفقیت تحصیلی و اجتماعی دانش‌آموزان است. این حضور نه تنها باعث افزایش انگیزه و اعتماد به نفس دانش‌آموزان می‌شود، بلکه به شناسایی مشکلات و حل آن‌ها نیز کمک می کند. بنابراین، مدارس و والدین باید تلاش کنند تا این ارتباط نزدیک و موثر را برقرار کنند تا فرآیند آموزشی به بهترین شکل ممکن پیش برود.

زندگی آگاهانه

مهارت تصمیم گیری

حسین زیرراهی – مدرس مهارتهای توسعه فردی



کمتر کسی را می‌توان پیدا کرد که بخاطر گرفتن تصمیم های اشتباه حسرتی در دلش نباشد. چه بسا تصمیماتی که زندگی یک فرد را برای همیشه تغییر داده باشد، چه در جهت مثبت و چه در جهت منفی. البته معمولا در هر دو حالت یک چیز مشترک است، اینکه تقریبا هر دو گروه روش درست تصمیم‌گیری را نمی‌دانسته‌اند. ولی تصمیم گیری امروزه مهارتی علمی است و در دسته‌بندی مهارتهای زندگی به تعریف سازمان بهداشت جهانی هم قرار دارد.

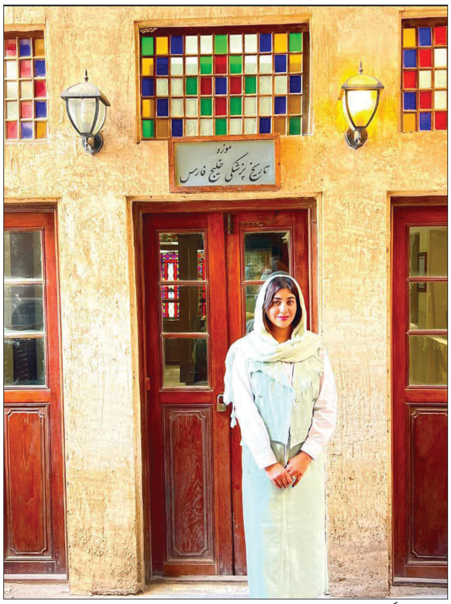
چیپ و دن هیس در کتاب «مهارت تصمیم‌گیری» این فعالیت مغزی انسان را به چهار مرحله تقسیم کرده اند. ۱.وضعیت انتخاب ۲.سنجش گزینه‌ها ۳.انتخاب ۴.زندگی با آن گزینه. بصورت خلاصه یعنی ما در یک وضعیت انتخاب از بین دو یا چند گزینه قرار می‌گیریم. گزینه‌ها را با همدیگر مقایسه کرده و می‌سنجیم. یکی از آنها را انتخاب کرده و از آن به بعد با آن انتخاب زندگی خواهیم کرد. زندگی با گزینه‌ها ممکن است از چند دقیقه یا تا آخر عمر انسان ادامه پیدا کند. همیشه تصمیم گیری به این سادگی نیست. گاهی مرحله دوم یعنی سنجش گزینه‌ها طولانی شده و وقت و انرژی ما را می گیرد. گاهی در مرحله انتخاب فشار زیادی به ما وارد شده و قدرت تصمیم‌گیری خود را از دست می‌دهیم. نهایتا در برخی از انتخابها زندگی کردن با آن گزینه برایمان مشکل می‌شود. یک کفش تنگ، یک ماشین خراب، یک خانه بدون سند یا ازدواجی تلخ می‌تواند ثمره یک تصمیم باشد.

نویسندگان کتاب مهارت تصمیم‌گیری چهار آفت برای تصمیم‌گیری برشمرده‌اند. ۱.چارچوبهای محدودکننده ۲.تعصب و جانبداری ۳.احساسات زودگذر ۴.اعتماد به نفس زیاد. چارچوبهای محدودکننده یعنی ما خود را در انتخاب از میان گزینه‌های محدود گیر می‌اندازیم. درحالیکه می‌توانیم گزینه‌های بیشتری به انتخاب‌مان اضافه کنیم. مثلا فلان وسیله را بخرم یا نخرم. با فلانی ازدواج بکنم یا نکنم؟ به خارج مهاجرت بکنم یا نه؟ دانشگاه بروم یا سربازی؟ تعصب و جانبداری بخاطر اطلاعات کم یا اطلاعات نادرست مغز ما در مورد گزینه‌ها است. یعنی بصورت ناخودآگاه به سمت یکی از گزینه‌ها تمایل داریم. این باعث می‌شود چشم خود را بر روی گزینه‌های دیگر ببندیم. احساسات زودگذر هم علاقه ما به انتخاب یک گزینه و تصمیم فوری در مورد آن است. مانند وقتی که از یک لباس خوشمان می‌آید و به مناسب بودن و قابلیت استفاده آن فکر نمی‌کنیم. اعتماد به نفس زیاد هم باعث می‌شود هیچ شک و تردیدی به تصمیم‌گیری خود راه ندهیم. معمولا تصمیمات صددرصدی بعدا صفر درصدی از آب در می‌آیند.

راهکارهای غلبه بر آفتهای تصمیم‌گیری و انتخاب گزینه درست: ۱.گزینه هایتان را گسترده کنید. حداقل چند گزینه دیگر به انتخابهایتان اضافه کنید. ۲.فرضیه‌هایتان را راستی‌آزمایی کنید. در مورد گزینه مورد نظرتان کمی تحقیق کنید. ۳.کمی از تصمیم فاصله بگیرید. اگر بخاطر احساسات زودگذر دارید تصمیم می‌گیرید با این کمی فاصله گرفتن اشتباه بودن آن برای شما روشن می‌شود. لباسی که الان چشمتان را گرفته را فردا بخرید. ۴.خودتان را برای اشتباه کردن آماده کنید. خیلی از تصمیمات صددرصد قابل تضمین نیست.

مصاحبه نسیم جنوب با غزاله بوالخیر، هنرمند بوشهری:

تاریخ پزشکی به روایت هنر



– لطفاً خودتان را معرفی کنید و از ورودتان به دنیای هنر تاریخ پزشکی برای خوانندگان نسیم جنوب بگویید.

– من غزاله بوالخیر هستم که در زمینه هنر تاریخ پزشکی فعالیت می‌کنم. علاقه من به هنر از دوران کودکی آغاز شد و به مرور زمان به بخشی از هویت هنری من تبدیل شد. آشنایی من با هنر تاریخ پزشکی از طریق حمایت خانواده ارجمندم به ویژه پروفسور ایرج نبی‌پور و بابابزرگم استاد اسماعیل نبی‌پور که از موسسین موزه تاریخ پزشکی خلیج فارس هستند و همسر عزیزم جناب آقای مسعود زارع که ایشان پژوهشگر علوم دارویی هستند اما به واسطه این‌که فعال در حوزه تاریخ پزشکی و بوشهرشناسی هستند بسیار مشوق بنده بودند که در این عرصه فعالیت کنم که نقطه عطفی در این مسیر برای من بود.



پزشکی که فلسفه را زیست: ابن هندو
تکنیک: پاستل گچی

– درباره آثار شما در موزه تاریخ پزشکی خلیج فارس بگویید.

– من تاکنون حدود ۸ اثر هنری شامل نقاشی‌هایی از چهره‌های برجسته پزشکی همچون ابن سینا و زهراوی را به این موزه اهدا کرده‌ام که هم‌اکنون در معرض نمایش قرار دارند. هر اثر با هدف زنده نگه داشتن میراث علمی و فرهنگی این بزرگان طراحی شده است.

– چه چیزی باعث شد به هنر تاریخ پزشکی علاقه‌مند شوید؟

– تاریخ پزشکی همیشه برای من جذاب بوده، زیرا دانشمندانی مانند ابن‌سینا فقط پزشک نبودند، بلکه دانشمندانی جامع‌الاطراف بودند که بر فرهنگ بشری تأثیر عمیقی داشتند. این حوزه فرصتی است تا هنر را با تاریخ و علم پیوند دهم و داستان‌هایی ارزشمند را برای نسل‌های آینده روایت کنم.

– به نظر شما اهمیت هنر در تاریخ پزشکی چیست؟

هنر ابزاری قدرتمند است که می‌تواند تاریخ را زنده نگه دارد. در حوزه تاریخ پزشکی، هنر به ما این امکان را می‌دهد تا دستاوردهای علمی و انسانی بزرگان را به زبان بصری بازگو کنیم. این کار علاوه بر حفظ میراث، الهام‌بخش نسل‌های آینده است.

– لطفاً درباره تاریخچه هنر تاریخ پزشکی صحبت کنید.

– هنر تاریخ پزشکی یکی از جنبه‌های جذاب و مهم تلفیق علم و هنر است. از دوران رنسانس تا امروز، هنرمندان بسیاری به این حوزه پرداخته‌اند:

لئوناردو داوینچی، هنرمند و دانشمند رنسانس، از



فیلسوف و پزشک شرق: ابن سینا و حکمت جاودانه / تکنیک: مداد رنگ و آبرنگ

پیشگامان هنر آناتومیک است. طراحی‌های او مانند «مطالعه رحم» و «مطالعات عضلات و استخوان‌ها» نه تنها به‌عنوان آثار هنری برجسته شناخته می‌شوند، بلکه پایه‌های علم آناتومی مدرن را شکل دادند.

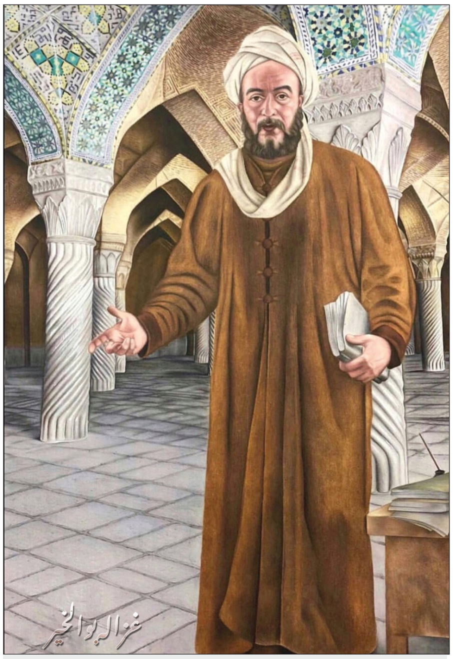
رامبرانت نیز در این حوزه اثری بی‌نظیر به نام «درس آناتومی دکتر تولپ» خلق کرد که صحنه‌ای از یک کالبدشکافی عمومی را نشان می‌دهد. این اثر جایگاه علم پزشکی در جامعه آن زمان را به زیبایی به تصویر می‌کشد.

توماس ایکینز در اثر معروف خود، «کلینیک گروس»، لحظه‌ای از یک جراحی را با دقتی باور نکردنی به تصویر کشید. این اثر به وضوح نشان‌دهنده قدرت پزشکی و همکاری تیم جراحی است.

آندریاس وسالیوس، با کتاب De humani corporis fabrica، با کمک هنرمندان رنسانس تصاویری خارق‌العاده از بدن انسان ارائه داد که انقلابی در درک آناتومی ایجاد کرد.

چارلز بل، که هم پزشک و هم هنرمند بود، در قرن نوزدهم طراحی‌هایی از اعصاب و سیستم‌های عضلانی خلق کرد که هنوز هم در مطالعات پزشکی ارزشمند هستند.

این هنرمندان و آثارشان الهام‌بخش من بوده‌اند و باعث شده‌اند هنر تاریخ پزشکی را به‌عنوان ابزاری برای



نام اثر: ابو علی سینا / تکنیک: آب رنگ و مداد رنگ

روایت داستان‌های علمی و تاریخی انتخاب کنم.

– چه نقشی برای موزه‌ها در حفظ این هنر قائل هستید؟

– موزه‌ها نقش مهمی در حفظ و نمایش آثار هنری و تاریخی دارند. موزه تاریخ پزشکی خلیج فارس بستری فوق‌العاده برای نمایش و آگاهی‌بخشی به مردم درباره تاریخ علم و هنر است.

– در آینده چه چشم‌اندازی برای هنر تاریخ پزشکی دارید؟

– آرزو دارم که هنر تاریخ پزشکی در سطح ملی و بین‌المللی بیشتر شناخته شود. این حوزه پتانسیل بزرگی دارد تا پل ارتباطی میان علم، تاریخ و هنر باشد

– در حال حاضر روی چه پروژه‌ای کار می‌کنید؟

– در حال حاضر مشغول یک پروژه فرهنگی هستم که به معرفی مشاهیر بوشهر می‌پردازم. هدف این پروژه، آشنایی نسل جوان با چهره‌هایی است که خدمات ارزشمندی به بوشهر کرده‌اند. برای من، فعالیت هنری همیشه باید دغدغه‌مند و در خدمت شهر و دیارم باشد.

– تاکنون چند هنرجو داشته‌اید؟

– من با افتخار تاکنون بالای ۲۰۰ هنرجو در کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی‌ام داشته‌ام. برای من مهم است که عشق به هنر و اهمیت تاریخ را به نسل جوان منتقل کنم.

– چه پیامی برای هنرمندان جوانی دارید که می‌خواهند مسیر مشابهی را دنبال کنند؟

– به علایق خود پایبند باشند و با عشق و پشتکار مسیرشان را دنبال کنند. هنر تنها خلق زیبایی نیست؛ بلکه ابزاری است برای انتقال پیام‌ها و ارزش‌ها به جامعه.

مصاحبه نسیم جنوب با زهره فرهمندفر، هنرمند بوشهری:

از همین امروز شروع کنید

مصاحبه از احمد موسوی‌زاده

– لطفاً خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.

– زهره فرهمندفر هستم، ۳۲ ساله، اصلیت بوشهری، لیسانس تربیت بدنی و فوق لیسانس مدیریت سازمان‌های ورزشی، مربی و معلم تکواندو هستم.

– در چه رشته هنری فعالیت می‌کنید؟

– رشته‌ی کالیگرافی (نقاشی خط) هست که ۵ سال است مشغول آموزش آن هستم. در کنار آن، خط کوفی را نیز آموزش دیدم.

– چه شد که به این هنر علاقمند شدید؟

– کارهای دوستم خانم کرمانی را دیدم و از کودکی به خوشنویسی علاقه داشتم. به همین دلیل تصمیم گرفتم خودم نیز این هنر زیبا را آغاز کنم. در کنار استادم خانم کرمانی عزیز در دیوارنویسی و تابلونویسی کمک‌شان کردم و از کارهای کوچک مانند رنگ کردن دیوار و زمینه‌ی تابلو شروع کردم تا نوشتن روی تابلو. آنقدر پرانرژی و آرام هستند که من هم دوست داشتم در آینده شخصی چون ایشان شوم.

– در این زمینه چه آموزش‌هایی تاکنون دیده‌اید؟

– در کلاس‌های خانم کرمانی شرکت کردم و در نمایشگاه‌های ایشان تابلوهایی را اجرا کردم.

– استقبال و وضعیت کنونی این رشته هنری در بوشهر چگونه است؟

– به نسبت سال‌های گذشته خیلی بهتر شده، ولی انتظار داریم خیلی بیشتر از این باشد. از ادارات و سازمان‌ها انتظار حمایت داریم.

– در این راه چه کسانی مشوق شما بودند؟

– استادم خانم کرمانی عزیز و مادر عزیزترم که خیلی حامی و مشوق من هستند در این راه.

– خیلی دوست دارم دیوارهای شهرم را با استفاده از این هنر زیبا کنم، حتی مدارس را برای توسعه این هنر زیبا.

– وضعیت حمایت از هنرمندان این رشته هنری در بوشهر چگونه است؟

– انتظار بیشتری از رئیس ارشاد داریم که بیشتر از پیش حمایت کنند تا هنرمندان استان در کشور دیده شوند.

– چه توصیه‌ای برای کسانی که علاقمند به این رشته هنری هستند دارید؟

– اگر به این رشته علاقه دارید از همین امروز شروع کنید چون فردا دیر است. این رشته فوق‌العاده رشته‌ای آرامش‌بخش است. چه زمانی که حال‌تان خوب باشد، حال‌تان را بهتر می‌کند و چه زمانی که حال‌تان بد و سردرگم باشد، باز هم حال‌تان را عالی می‌کند.



– سخن پایانی؟

– از خانواده‌ام بخصوص مادرم که همراهم است و از استاد کرمانی که این زیبایی را به من آموزش می‌دهد، ممنون و سپاسگزارم.

مصاحبه نسیم جنوب با معصومه یاوری، هنرمند در بوشهر:

خط زیبا، خاک را زر می‌کند

– لطفاً خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.

– معصومه یاوری، کرمانشاه شهرستان سنقر کلیایی، سن ۲۸ سال.

– در چه رشته هنری فعالیت می‌کنید؟

– کالیگرافی.

– چه شد که به این هنر علاقمند شدید؟

– از زمانی که یادم می‌آید، خیلی علاقه داشتم که خطم خوب بشود. همین باعث شده بود که به اکثر کارهای هنری علاقه‌مند شوم. مثلاً در زمان مدرسه، در نوشتن اکثر روزنامه دیواری‌های هم‌کلاسی‌هایم کمک می‌کردم و همیشه نهایت تلاشم را می‌کردم که قشنگ باشد. هر آموزشی که در مدرسه در حیطه هنری بود، شرکت می‌کردم؛ از خطاطی تا معرق کاری.

– در این زمینه چه آموزش‌هایی تاکنون دیده‌اید؟

– دوران کرونا باعث شد که من بیشتر بتوانم برای علاقه‌هایم وقت بگذارم. اول سعی می‌کردم با یوتیوب خط نستعلیق یاد بگیرم. بعد کم‌کم دوستانم متوجه علاقه‌ام نسبت به خطاطی شدند و کمک کردند که بتوانم در نزدیک‌ترین جای ممکن که کلاس‌های خط هست ثبت‌نام کنم. و بعد از آن در محضر استادم خانم نجمه کردم، دو خط متنوع یاد گرفتم: خط کوفی و ثلث.

– استقبال و وضعیت کنونی این رشته هنری در بوشهر چگونه است؟

– مردم بوشهر بسیار مردم هنر دوستی هستند و خیلی به فعالیت‌های هنری علاقه‌مندند.

– در این راه چه کسانی مشوق شما بودند؟

– همسرم، خانواده و دوستانم. همسرم چون خودشان در زمینه هنری فعالیت دارند، بسیار مشوق من بودند. کارشان ساخت اکسسوری چوبی است از جمله ساعت، عینک و ... و من بعد از اولین خطی که یاد گرفتم، توانستم با ایشان همکاری داشته باشم و بخش طراحی حکاکی‌های لیزری مورد نیاز برای حک روی اکسسوری چوبی را انجام دهم، مانند حکاکی روی در و پشت ساعت مچی چوبی، عینک و کاور چوبی و ساعت دیواری چوبی.

– چه اهدافی را در این زمینه دنبال می‌کنید؟

– خیلی دوست دارم که بتوانم در زمینه کالیگرافی، خط‌ها و تکنیک‌های مختلف را یاد بگیرم و صاحب سبک شوم و بتوانم خط جدیدی ابداع کنم.

– وضعیت حمایت از هنرمندان این رشته هنری در بوشهر چگونه است؟

– با توجه به امکانات کمی که هست، نسبتاً خوب است.

– چه توصیه‌ای برای کسانی که علاقمند به این رشته هنری هستند، دارید؟

– توصیه می‌کنم اول تلاش کنند که خط قوی‌تری در این زمینه داشته باشند و عجله نکنند که حتماً زود بتوانند کالیگرافی کنند. به نظرم این‌گونه ارزش کارها بیشتر خواهد بود.

– چه پیشنهادات و انتقاداتی برای بهتر شدن و پیشرفت این هنر در بوشهر دارید؟

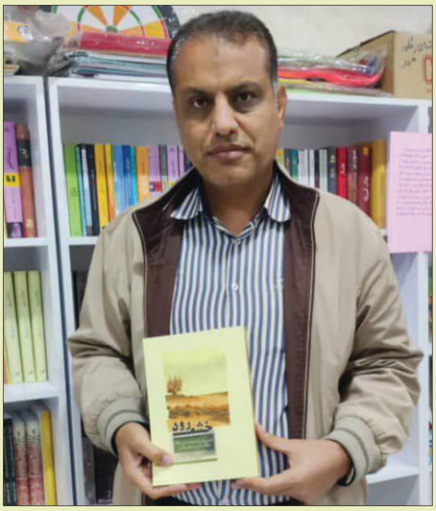
– امیدوارم بسترهای مناسبی فراهم شود، مانند فعالیت‌های گروهی به صورت جشنواره، نمایشگاه و...



– سخن پایانی؟

خط زیبا خاک را زر می‌کند
کار مولا و پیغمبر می‌کند
هرکه خطش خوب، خلقش خوب‌تر
می‌شود مخلوق را محبوب‌تر
گرچه عاشق در زمان ما کم است
لیک خط عشق‌بازی محکم است

«خشم رود»؛ پرده‌برداری از واقعه سیل ۱۳۶۵ منطقه دشتی



کتاب «خشم رود» به نویسندگی حمید بردستانی و توسط انتشارات صحیفه خرد، منتشر شد. حمید بردستانی در گفتگو با نسیم جنوب درباره این کتاب اظهار کرد: این کتاب به‌عنوان اولین روایت مستند و مکتوب از واقعه سیل ویرانگر آذرماه ۱۳۶۵ در منطقه دشتی استان بوشهر به شمار می‌آید. این اثر تلاش دارد تا ابعاد مختلف این حادثه طبیعی را به تصویر بکشد و تأثیرات آن بر زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم و محیط زیست آن‌ها را مورد بررسی قرار دهد.

وی با بیان این‌که هدف اصلی این کتاب، مستند کردن دقیق ابعاد این حادثه بنیان‌کن و ویرانگر پس از قریب به ۴۰ سال بعد از سیل ۱۳۶۵ جنوب ایران است؛ افزود: در این کتاب از گزارش‌ها و اسنادی استفاده شده که پرده از حقایقی جذاب از سیل آذر ۱۳۶۵ استان بوشهر و به ویژه منطقه دشتی برداشته است.

بردستانی با اشاره به محتوای کتاب، توضیح داد: کتاب به بررسی عوامل مؤثر در وقوع سیل در استان بوشهر اختصاص دارد و به شرایط جوی، تغییرات اقلیمی و عوامل انسانی که منجر به تشدید این بحران شدند پرداخته شده است.

همچنین به تحلیل وضعیت رودخانه مند پرداخته و چگونگی تغییرات آن قبل و بعد از وقوع سیل را مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین جزئیات لحظه به لحظه آن روزهای سخت را روایت می‌کند و مدیریت آسیب‌های ناشی از سیل بررسی شده و تلاش‌های انجام شده برای کمک به بازماندگان و بازسازی مناطق آسیب‌دیده مورد توجه قرار گرفته است.

وی افزود: سیل ویرانگر آذر ۱۳۶۵ نه تنها منطقه دشتی بلکه جنوب ایران را نیز تحت تأثیر قرار داد. آثار این حادثه طبیعی هنوز هم بر زندگی بازماندگان سایه افکنده و خاطرات تلخ آن روزها همچنان ادامه دارد و بعضی از خانواده‌ها هنوز هم با مشکلات اقتصادی و اجتماعی ناشی از این فاجعه دست و پنجه نرم می‌کنند.

وی همچنین بیان کرد: این کتاب یک سند تاریخی-اجتماعی درباره سیل آذرماه ۱۳۶۵ جنوب ایران و به‌ویژه منطقه دشتی استان بوشهر است که امیدوارم زمینه‌ای برای آغاز پژوهش‌های مرتبط در این حوزه باشد.

حمید بردستانی، پیش از این نیز فیلم مستند «دی رود» را تولید کرده که به بررسی سیل ۱۳۶۵ می‌پردازد.

واکاوی دلایل ناکامی نیروهای محلی بوشهر در جنگ جهانی اول (۲)

آشفتگی‌های و کمبود نیروهای نظامی حکمران بنادر جنوب

دکتر حمید اسدپور



یکی از مشکلات اساسی نواحی جنوب به ویژه بوشهر در این زمان، تقسیم‌بندی نامناسب و مداخله‌گری حکام در امور مربوط به یکدیگر بود. چنان‌که حکمران بنادر جنوب، سلطه کافی بر نواحی مانند دلوار و تنگستان نداشت.

به رغم پیوستگی پیوستگی جغرافیایی این مناطق با بوشهر، در عمل زیر نظر حاکم فارس و خارج از حکم فرماندار کل بنادر جنوب که در بوشهر مستقر بود اداره می‌شدند.

حکمران بنادر جنوب در تلگرامی که مربوط به سرکوب شورش‌ها در دلوار بود اشاره می‌کند که «این بنادر به اقتضای طبیعت و ترتیب جغرافیایی می‌بایست در قلمرو حکومت بنادر باشند ولی تحت نظر حکومت ایالات فارس هستند. پس اگر حاکم فارس استعدادی هم داشته باشد نمی‌تواند نیروهایی با سرعت به آن‌جا برسانند.» (اسناد ایران در جنگ جهانی اول، ۶۸:۱۳۷۰) این مساله در مورد مناطق دیگر بوشهر نیز صادق بود. چنان‌که حکمران بنادر جنوب در نامه‌ای به وزارت داخله تقاضا می‌کند که به رغم آن‌که در جلساتی مقرر شد تا منطقه لیراوی را جز حاکمیت حکمران بنادر جنوب قرار بگیرد ولی اقدام مؤثری در این باب صورت نگرفته است.

با وجود آن که بنا بر دستور وزارت داخله منطقه لیراوی می‌بایست از بهبهان جدا می‌شد و قرار بود در قلمرو حکومت بنادر جنوب قرار گیرد ولی در عمل، حکمران بنادر، سلطه‌ای بر آن نداشت.

علاوه بر این تقسیم‌بندی‌های نامنظم، حکمران بنادر جنوب در همان قلمرویی که تحت حکومت وی نیز قرار داشت به دلیل آشفتگی‌های فراوان و کمبود منابع و نیروهای نظامی نتوانست اقدام مؤثری انجام دهد. این ضعف سبب شده بود تا روسای محلی ضمن رقابت با یکدیگر، سعی در کسب نفوذ سیاسی و اقتصادی داشته باشند و اعتباری برای حکمران بنادر قائل نمی‌شدند. حاکم بوشهر که خود نیز به این ضعف واقف بود، در تلگرامی به وزارت داخله اشاره کرده است «که صحرای ریشهر که متصل به تنگستان دارای محدوده‌ای وسیع و دارای طرق عدیده است و حفظ نظم و امنیت آن یک فوج سرباز کارآزموده لازم دارد و بنده چون ضیق مالیه دولت را می‌دانم تکلیف فوق العاده نمی‌کنم». (اسناد وزارت داخله، ۱۲۲:۱۱۳۶۹) وی در نامه دیگر عنوان داشته است «که سیصد فرسخ محدوده جنوب مسئولیتش با این چاکر است. شب و روز، تمام اوقاتم دفع افساد و اسکات مردم است. خدا می‌داند خسته شدم کاری نکنید مستاصل شده فرار کنم.(اسناد هجوم روس و انگلیس به ایران، ۱۳۷۰:

۳۵-۳۴). همچنین اوضاع به شکلی است که علمای بوشهر در تلگرامی به علمای شیراز از بدی اوضاع بوشهر و راهزنی‌های متعدد سخن گفته‌اند.

در چنین اوضاعی بود که برخی رؤسای محلی با مشاهده ضعف دولت مرکزی حاضر به پرداخت مالیات نمی‌شدند. همچنین حکمران بنادر جنوب هم هزینه‌ای جهت سرکوب آن‌ها برای جلوگیری از خودسری‌هایشان نداشت و در مرکز کشور هم اوضاع به شکل وخیمی پیش می‌رفت. چنان‌که خود حکمران بنادر جنوب هم اشاره می‌کند که «اگر حکومت بنادر بخواهد یک قران خرج کند باید به تهران مخابره کند تا ببینند کی اجازه می‌رسد پس هیچ کاری پیش نمی‌رود و از این به بعد باید بیشتر انتظار وقایع ناگوار داشت». (اسناد هجوم روس و انگلیس به ایران، ۶۸:۱۳۷۰)

در چنین وضعیتی حتی برخی نیروهای نظامی که ضعف دولت مرکزی را مشاهده کرده بودند خود به عنوان ابزاری برای صاحبان قدرت سیاسی و اقتصادی تبدیل شدند و زمینه‌ساز راهزنی‌های بیشتر گردیدند.

در این زمان گاهی حتی افرادی حاضر بودند سرمایه‌های خود را جمع کنند و جهت راهزنی و خرید تفنگ، نیرویی تشکیل دهند. رؤسای محلی در این شرایط با نیروهایی مانند ژاندارمری که سعی در برقراری نظم و امنیت داشتند به مخالفت برمی‌خاستند که نمونه آن حمله به مقر این نیروها در کازرون و قتل برخی از آنان می‌باشد.

از سوی دیگر نیروهای آموزش دیده مانند نیروی ژاندارمری نیز نسبت به محدوده و وسعت ایالت فارس بسیار کم بودند. چنان‌که در کل ایالت فارس، تنها سه هزار نیروی آموزش دیده بود که در مساحت این استان پراکنده بودند. پلیس جنوب نیز به عنوان نیرویی انگلیسی بود که علاوه بر تضعیف نمودن قدرت طوایف و روسای محلی به قتل و کشتار مردم می‌پرداخت. از آن جمله می‌توان به اقدامات پلیس جنوب در محاصره دالکی اشاره کرد که ضمن کشتار مردم به غارت ناحیه اقدام کردند.

همچنین در میان خود طوایف مانند قشقایی‌ها اختلافات فراوانی وجود داشت. در چنین شرایطی مخبرالسلطنه، حاکم فارس، حزب دموکراتیک تشکیل داد و ضمن تظاهر به ملی‌گرایی و وطن پرستی، در اساس به مخالفت با انگلیسی‌ها پرداخت.

این اوضاع نابسامان حتی اعتراضات شدید علمای بوشهر علیه انگلیسی‌ها را در پی داشت و در مساجد بوشهر ضمن برپایی جلسات و مرثیه‌سرایی، مردم را به مخالفت علیه انگلیس دعوت کردند.

در مجموع می‌توان گفت که خزانه‌داری کاملاً ورشکسته، عایدات دولت اندک و هیچ ضمانتی برای جمع‌آوری مالیات وجود نداشت و حقوق اکثر مأموران نظمیه هم پرداخت نشده بود.

«در کارگه کوزه‌گری رفتم دوش»؛ شعری که دمساز خیامی بوشهری شد

(ایبنا) – بشیر علوی، پژوهشگر ادبی و استاد دانشگاه: این هفته در شنبه‌های خیامی به سراغ یکی دیگر از رباعیات خیام رفته‌ایم که اصالت این رباعی نیز از سوی خیام‌پژوهان تائید و ثبت شده است و استاد سیدعلی میرافضلی در کتاب «رباعیات خیام» آن را در ردیف رباعیات اصیل خیام آورده است:

«در کارگه کوزه‌گری رفتم دوش
دیدم دو هزار کوزه، گویا و خموش
از دسته هر کوزه، برآورده خروش
صد کوزه‌گر و کوزه‌خر و کوزه‌فروش»

این رباعی در نسخه‌های نزهه المجالس سال ۶۰۱ ق، جُنگ لیدن ۶۹۵ ق، طرب‌خانه ۸۶۷ ق، رباعیات خیام، بادلیان آکسفورد ۸۶۵ ق، پاریس ۸۷۹ ق، اسعد افندی ۸۷۶ ق و پاریس ۹۰۲ ق کتابت شده است. رباعی مذکور به مانند رباعی تفسیر شده در هفته پیش، از رباعی‌های مشهور خیام است و خوشبختانه از ارزش و سندیت بالایی برخوردار است. همان‌طور که ذکر شد، منابعی ارزشمند که دو تا از آن‌ها مربوط به قرن هفتم قمری است، این رباعی را ذکر کرده‌اند. احتمالاً خیام‌خوانان و خیام‌دوستان گاه بیت دوم این رباعی را این گونه دیده یا شنیده باشند: «هریک به زبان حال با من گفتند / کو کوزه‌گر و کوزه‌خر و کوزه‌فروش».

صادق هدایت نیز در کتاب ترانه‌های خیام همین بیت را ضبط کرده است. استاد میرافضلی در منبع خود، از آنجا که ضبط قدیم‌تر را پذیرفته، این رباعی را به صورتی آورده که ما در ابتدای بحث آورده‌ایم. نظر او مبنی بر اینکه ضبطِ «از دستهٔ هر کوزه، برآورده خروش / صد کوزه‌گرِ و کوزه‌خرِ و کوزه‌فروش»، صحیح‌تر است، کاملاً علمی است، زیرا که بیتِ «هریک به زبان حال با من گفتند / کو کوزه‌گر و کوَزه‌خر و کوَزه‌فروش». هرچند که به قول استاد میرافضلی به روزگار ما نزدیک‌تر است، ولی با شکل مرسوم رباعی در روزگار حکیم خیام فاصله زیادی دارد.

این رباعی از جمله رباعیاتی است که در موسیقی خیام‌خوانی بوشهر نیز مورد استفاده قرار گرفته و خوانش زیادی از این رباعی در موسیقی بوشهر شده است. در این موسیقی از ضبط دوم استفاده شده که معمولاً خیام‌خوانان در بوشهر بیشتر به کلیت رباعیات خیام نگاهی دارند و درصدد یافتن بیت یا مصراعی نیستند که از سندیت بیشتری برخوردار باشند و این نیز کاملاً پذیرفتنی و منطقی به نظر می‌رسد. رابطه بوشهری‌ها و موسیقی این مرز و بوم با خیام، رابطه‌ای عمیق است که نگارنده پیش از این در گفت‌وگویی مفصل با خبرگزاری ایبنا با عنوان «شور رباعیات خیام در خلیج فارس» به آن پرداخته است.

دو واژه «کوزه» و «کوزه‌گر» از واژگان کلیدی رباعیات خیام است که برای فهم آن باید به زبان استعاره پناه برد. این کوزه و جنس آن در رباعی، خاک گذشتگان ماست، گذشتگانی که بر زمین خدا زندگی کرده و اکنون رفته و به خاک سپرده‌اند و از خاک آن‌ها در صنعت کوزه‌گری استفاده می‌شود. مصراع چهارم این رباعی در هر دو روایت، یک نوعی عطش و هیجان و سرگشتگی فلسفی به ذهن متبادر می‌کند که گذشتگان ما کجا رفتند و اکنون در کدام عالم به سر می‌برند. همین سوال خود به تنهایی می‌تواند دریایی از علوم را به ذهن بشر بگشاید که به‌حق نیز گشوده است. علومی که برای این گونه پرسش‌ها تولید شده است، علومی است که تلاش می‌کند وضعیت آدم‌ها را در دنیای دیگر بیابد. تا جایی که این سال‌ها برنامه و کتاب‌هایی به نام «زندگی پس از زندگی» یا «زندگی پس از مرگ» تولید شده است که همگی برای این است که برای این و نه پرسش‌ها جوابی بیابند.



تولید مصراع دوم در این رباعی برای ایجاد مصراع چهارم است و در واقع سه مصراع اول به ویژه مصراع دوم کمک بسیار خوبی برای مصراع چهارم کرده است. وقتی در مصراع دوم گفته می‌شود: «دیدم دو هزار کوزه، گویا و خموش». برای این است که مصراع چهارم را تفسیر کند و برای هرکدام که حالتی نمادین



دارند، مؤلفه‌ای می‌یابد: «صد کوزه‌گر و کوزه‌خر و کوزه‌فروش».

در واقع با فکر عمیق و ژرفی که در درون این رباعی و خالق آن نهفته است، کوزه‌ها که همگی گویا و خموش‌اند، همان گذشتگان ما هستند که خاک‌شان، قبرشان، نبودشان و خاطرات‌شان گویای این است که همه رفتنی‌اند و کسی در این خاک نخواهد ماند.

ما در این رباعی به وضوح با مسئله فنا و مرگ برخورد می‌کنیم. کارگاه کوزه‌گری نماد دنیا و هزاران هزار کوزه نماد همه انسان‌هایی هستند که دیگر نیستند یا انسان‌هایی که امروز هستند، اما همگی به‌زودی فانی خواهند شدند و رخت از این عالم خواهند بست. از هیچ‌کدام‌شان اثر و خبری نخواهد ماند. نه از کوزه‌گرها؛ یعنی پدران و مادران که سازنده این پیکرها بودند، نه از کوزه‌خرها که این پیکرهای ساخته شده را به خدمت می‌گرفتند و نه از کوزه فروش‌ها که واسطه این داد و ستد انسانی و اجتماعی بودند.

این گونه رباعی‌ها در واقع، یک نوع نظریه بسیار ارزشمندی از علوم انسانی ما ایرانیان است که به این زیبایی به شعر درآمده است. اگر ادبیات بتواند این گونه نظریات علوم انسانی که در انبوهی از رباعیات و مثنوی‌ها و ... نهفته است به جهانیان معرفی نماید و آن‌ها را جهان‌شمول‌تر نماید، چقدرها بر روحیه علمی و تولید علم ما ایرانیان افزوده خواهد شد.

طلب استعاره از کوزه و کوزه‌گری در ادبیات سنتی ما جایگاه مشخص و پردامنه‌ای دارد. شاعرانی مانند عطار نیز از این دو واژه در حالت استعاری و تمثیلی استفاده کرده است. حکیم سنایی غزنوی، نظیر همین مضمون را به زیبایی به گونه‌ای دیگر مطرح کرده است:

«ای شنیده فسانه بسیاری
قصهٔ کوزه‌گر شنو باری
کوزه‌گر سال و ماه در تک و پوی
تا کند خاک دیگران به سبوی
چون که خاکش نقاب روی کنند
دیگران خاک او سبوی کنند»

فرخی سیستانی نیر در قصیده‌ای این گونه این مفهوم را نشان می‌دهد:

«خیز تا بر گل نو کوزگکی باده خوریم
پیش تا از گل ما کوزه کند دست زمان»



هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: نسیم فقیه
مدیر مسئول و سردبیر:
دکتر یونس قیصی‌زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساپ: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

فاصله بزرگ میان آرزوهای توسعه در تولید گاز و واقعیت‌ها

حسین صداقت



برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی ایران اهدافی بلندپروازانه در حوزه انرژی، به‌ویژه صنعت گاز، تعیین کرده است. طبق این برنامه، تولید گاز باید تا پایان دوره به ۱.۳۸ میلیارد مترمکعب در روز برسد تا نیازهای داخلی کشور تامین شده و از کمبود انرژی جلوگیری شود. این هدف بلندپروازانه، نه‌تنها برای تامین نیازهای داخلی، بلکه برای توسعه صادرات، امنیت انرژی و حفظ جایگاه ایران در بازار جهانی گاز حیاتی است. بااین‌حال، بررسی روندهای کنونی و داده‌های موجود نشان می‌دهد که تحقق این هدف به دلیل چالش‌های متعدد، بسیار دشوار و حتی در شرایط فعلی غیرممکن به نظر می‌رسد و فاصله عمیقی میان آرزوهای این سند و واقعیت های کنونی صنعت گاز کشور وجود دارد. این شکاف به وضوح حاکی از ضرورت بازنگری در سیاست‌گذاری‌ها و تمرکز بر مدیریت بهینه انرژی است.

طبق آمار منتشرشده از بخش دیسپچینگ شرکت ملی گاز ایران، پیش‌بینی می‌شود تولید روزانه گاز در سال ۱۴۰۳ حدود ۷۲۵ تا ۷۵۰ میلیون مترمکعب باشد. این رقم حتی کمتر از هدف‌گذاری کوتاه‌مدت است و تامین نیازهای داخلی و صادراتی کشور را با چالش مواجه می‌سازد. افزون بر این، بخش عمده گاز مصرفی کشور از میدان گازی پارس جنوبی تامین می‌شود، میدانی که وارد نیمه دوم عمر خود شده و با افت طبیعی فشار و کاهش تولید مواجه است. افت فشار در این میدان، که بیش از ۷۰ درصد گاز ایران را تامین می‌کند، نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان برای تجهیزاتی مانند کمپرسورهای فشارافزا و فناوری‌های پیشرفته است. با توجه به محدودیت‌های مالی و تحریم‌های اقتصادی، دستیابی به این فناوری‌ها و جذب سرمایه‌گذاری و تحقق اهداف برنامه هفتم توسعه بسیار دشوار به نظر می‌رسد.

علاوه بر این، هدررفت گسترده گاز در مراحل مختلف تولید، انتقال و مصرف نیز چالشی جدی به شمار می‌رود. داده‌ها نشان می‌دهند که بیش از ۴۰ درصد گاز تولیدی در کشور تلف می‌شود، که این میزان هدررفت به‌دلیل ضعف در زیرساخت‌ها، فناوری‌های قدیمی و مصرف غیر کارآمد رخ می‌دهد. تاسیسات فرسوده، نبود خطوط لوله استاندارد، و ناکارآمدی فناوری‌های استفاده شده در تولید و انتقال، سهم عمده‌ای در این اتلاف انرژی دارند. در بخش صنعتی، نیروگاه‌ها و صنایع به‌دلیل استفاده از تجهیزات قدیمی، بازدهی پایین دارند. در بخش خانگی نیز قیمت پایین گاز و نبود فرهنگ مصرف بهینه، باعث مصرف بیش‌ازحد شده است.

وابستگی شدید به گاز در سبد انرژی کشور، یکی دیگر از چالش‌های مهم است. بیش از ۷۰ درصد از انرژی مصرفی ایران از گاز تامین می‌شود و این وابستگی شدید هرگونه کاهش تولید را به بحرانی جدی تبدیل می‌کند. نبود تنوع در سبد انرژی و توسعه نیافتن منابع تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی و بادی، فشار بر صنعت گاز را دوچندان کرده است.

برای رفع این چالش‌ها و کاهش فاصله میان اهداف و واقعیت‌ها، اقدامات متعددی می‌توان انجام داد. نخست، استفاده از فناوری‌های پیشرفته برای حفظ و افزایش بهره‌وری مخازن گازی ضروری است. ایران باید از توان داخلی و همکاری با شرکت‌های بین‌المللی بهره گیرد تا به فناوری‌های موردنیاز دست یابد. ارتقای سیستم‌های پالایشگاهی، کاهش تلفات در مراحل فرآوری، و به‌روزرسانی زیرساخت‌های انتقال از جمله اقدامات ضروری است.

علاوه بر این، مدیریت یکپارچه انرژی می‌تواند نقش بسزایی در کاهش هدررفت گاز داشته باشد. اصلاح تعرفه‌های انرژی، استفاده از سیستم‌های هوشمند برای مدیریت تقاضا و توزیع و آموزش عمومی برای ارتقای فرهنگ مصرف انرژی، می‌تواند میزان هدررفت را به شکل قابل‌توجهی کاهش دهد. همچنین، تنوع‌بخشی به سبد انرژی با توسعه منابع تجدیدپذیر، نظیر انرژی خورشیدی و بادی، می‌تواند از وابستگی به گاز بکاهد و سبد انرژی کشور را پایدارتر کند. ایران با دارا بودن مناطق آفتابی و بادخیز، پتانسیل بالایی برای تولید انرژی خورشیدی و بادی دارد. سرمایه‌گذاری در این بخش و توسعه این منابع می‌تواند بخشی از تقاضای انرژی را تامین کند و فشار بر منابع گازی را کاهش دهد.

یکی دیگر از اقدامات مهم، جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی است. رفع تحریم‌ها، کاهش موانع بوروکراتیک، ارائه تضمین‌های مالی و حقوقی و و ایجاد محیطی امن برای سرمایه‌گذاران می‌تواند منابع مالی لازم برای توسعه صنعت گاز را فراهم کند. در نهایت، اصلاحات ساختاری و سیاست‌گذاری کلان نیز ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. تدوین استراتژی‌های بلندمدت، تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، و ایجاد نهادهای هماهنگ‌کننده برای مدیریت صنعت گاز، از جمله اقداماتی است که می‌تواند بهره‌وری و پایداری را در این حوزه افزایش دهد.

با توجه به شکاف عمیق میان اهداف برنامه هفتم توسعه و واقعیت‌های موجود، ضروری است که به‌جای دنبال کردن اهداف غیرواقعی، بر حفظ سطح فعلی تولید و کاهش هدررفت تمرکز شود. مدیریت هوشمندانه، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، و اصلاحات ساختاری می‌تواند گام‌های اساسی برای پایداری انرژی کشور باشد. دستیابی به این اهداف نیازمند تغییر نگرش و اتخاذ سیاست‌های علمی و راهبردی است تا صنعت گاز ایران را در مسیر توسعه پایدار قرار دهد.

استاندار بوشهر:

پروژه راه‌آهن بوشهر- شیراز با جدیت مورد پیگیری قرار خواهد گرفت



استاندار بوشهر با بیان اینکه نقد رسانه‌ها را چراغ راهنمای مسوولان می دانم گفت: رسانه‌ها با نقد منصفانه و جامع‌نگر در پیشبرد برنامه ها برای تحقق اهداف استان همکاری کنند.

به گزارش خبرنگار ایرنا، ارسلان زارع در نشست با اصحاب رسانه استان بوشهر با اشاره به نقش رسانه ها در توسعه و پیشرفت افزود: خبرنگاران با شناسایی چالش ها و مشکلات و بیان راهکار، می توانند به کمک مسوولان بیایند.

وی ادامه داد: در تصمیم گیری‌ها از مشاوران و کارشناسان حوزه‌های مختلف بهره می گیریم و در این مسیر استفاده از ظرفیت نخبگان و اصحاب رسانه از اولویت‌های استانداری بوشهر است.

وی افزود: رویکرد گفتمان وفاق ملی دکتر پزشکیان و دولت چهاردهم، بحران زدایی، امید آفرینی و تقویت انسجام ملی است و امیدوارم شاهد اعتلای ایران اسلامی در تمام زمینه ها باشیم.

وی با اشاره به ظرفیت های بالای استان بوشهر در زمینه برخورداری از نفت، گاز و پتروشیمی افزود وزارت کشور نشست‌های تخصصی با استان‌ها برگزار می کند و راه‌اندازی معاونت انرژی و پتروشیمی با دو اداره کل زیرمجموعه در دست پیگیری است.

وی درباره منطقه آزاد بوشهر گفت: منطقه آزاد یک ظرفیت مهم برای ارتقای سطح رفاه مردم است و در هفته‌های آینده هیات‌مدیره مستقر شده و برنامه‌های اجرایی آغاز می‌شود.

استاندار بوشهر افزود: در حوزه فوتبال، یکی از باشگاه‌های مهم استان با مشکلات حقوقی مواجه است و به مسئولان ذی‌ربط تأکید کرده‌ام که این موضوع را پیگیری کنند.

زارع درباره پروژه راه‌آهن بوشهر- شیراز که از مطالبات دیرینه مردم و مسئولان است، گفت: دولت به دلیل محدودیت‌های اعتباری، پروژه‌هایی با پیشرفت فیزیکی بیش از ۹۰ و سپس ۸۰ درصد را در اولویت قرار داده است. با این حال، این به معنای بی توجهی به پروژه راه‌آهن بوشهر-شیراز نیست.در سفر اخیر رئیس‌جمهور به استان نیز، این پروژه با جدیت مورد پیگیری قرار خواهد گرفت.

وی همچنین تاکید کرد: باید تلاش کنیم که جوانان بومی استان بوشهر سهمی بیش از ۵۰ درصد در جذب نیروهای تخصصی صنایع جنوب کشور داشته باشند.

استاندار بوشهر در زمینه تقسیمات کشوری عنوان کرد: هیچ برنامه‌ای برای تفکیک شهرستان‌های استان در دستور کار نیست